

نقش خانواده به عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان

(با تکیه بر نظم در خانواده)

مسعود چلبی

دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

توران روزبهانی

کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی

مقدمه

هدف این پژوهش بررسی ابعاد نظم در خانواده و ارتباط آن‌ها با سلوک فرزندان و کژ رفتاری (بزهکاری) آنان است. این مطالعه بر اساس نظریه نظم خرد چلبی (ابعاد منظم و مسائل ماهوی هر بعد در گروه‌های ساختاری) استوار می‌باشد. در این تحقیق عملاً از دو گروه، گروه گواه (خانواده‌هایی که فرزندان‌شان به مدرسه می‌روند) و گروه آزمایش (خانواده‌هایی که حداقل یکی از فرزندان‌شان دارای محکومیت در زندان است)، با حجم ۲۴۰، استفاده شده است.

واکاوی ادبیات

مرور ادبیات موضوع نشان می‌دهد که هر نظریه به برخی از عوامل مؤثر بر نظم به طور صریح یا ضمنی اشاره کرده‌اند، اما هیچ یک از این نظریه‌ها به طور جامع، عوامل مؤثر بر نظم در سطح خرد را مطرح نکرده‌اند.

«ادوین ساترلند» معتقد است رفتار مجرمانه در اثر تماس و همنشینی با الگوهای جنایی، آموخته می‌شود. هر چه تماس افراد با چنین محیط‌هایی زودتر آغاز شود (سن افراد)، تکرار تماس به دفعات بیشتر باشد (فراوانی معاشرت)، ارتباط نزدیک‌تر و عمیق‌تر باشد (عمق

معاشرت) و مدت زمان معاشرت طولانی تر باشد، احتمال اینکه فرد در نهایت به یک بز هکار تبدیل شود، بیشتر است (Vander Zanden, 1996:141)

نظریه ساترلند حاکی از آن است که هر چه روابط اعضای خانواده سالم و از صمیمیت بیشتری برخوردار باشد، امکان بروز انحراف کمتر می باشد. به عبارت دیگر، وجود افراد مجرم در خانواده فرصت آموختن و یادگیری انحرافات را برای سایر اعضای فراهم می سازد. «ماتزا» نیز اشاره می کند به اینکه ارتباط نزدیک با فرد کجرو می تواند انحرافات بعدی را تحریک کند. (Stewart & Glynn, 1988:144) «هیرشی» کجروی را معلول ضعف یا گسستگی تعلق فرد به جامعه می داند. (صدیق، ۱۳۶۷: ۶۰) او چهار علقه اجتماعی را مطرح کرد که عبارت بودند از: عقیده یا باور، دلبستگی و تعلق، تعهد و مشغولیت. تحقیقات او در زمینه تأثیر دلبستگی به والدین، مدارس و گروه همسالان روی اعمال بز هکارانه نشان داد پسرانی که شدیداً به والدین شان دلبستگی دارند، نسبت به پسرانی که دلبستگی کمتری دارند، کمتر احتمال دارد مرتکب اعمال بز هکارانه شوند. (Vold & Bernard, 1986:241-242)

نظریه هیرشی حاکی از آن است که کاهش دلبستگی و صمیمیت در روابط متقابل اعضای خانواده روی میزان بز هکاری تأثیر مثبت دارد. علاوه بر این، نظریه هیرشی نشان می دهد که شاغل بودن، فرصت برای فعالیت های بز هکارانه را محدود می کند.

«گود»، شکل بحرانی از بین رفتن نظم در خانواده را «طلاق» می داند و می گوید انواع دیگر گسیختگی خانواده احتمالاً به این شیوه ختم می شود. همچنین گود می گوید «کودکان خانواده های «تو خالی» کمتر احتمال دارد که از شادی و سلامت روانی برخوردار باشند دقیقاً» به خاطر اینکه اعضای خانواده در وظایف عاطفی خود نسبت به همدیگر کوتاهی کرده اند. او عواملی چون گرمی (صمیمیت)، دلبستگی، عشق و محبت را در اجتماعی کردن فرزند مؤثر می داند. (Goode, 1989:165)

همچنین مطالعات نشان می دهد که بز هکاری نوجوانان با «خانواده های گسسته شده» ارتباط دارد. اغلب، میزان بز هکاری در خانواده های گسسته، نسبتاً بالاتر از خانواده های سالم می باشد و همچنین میزان بز هکاری کودکان خانواده های از هم گسسته شده در اثر جدایی یا طلاق بالاتر است تا در مورد کودکان خانواده هایی که در نتیجه مرگ یکی از والدین از هم گسیخته شده اند، (Merton & Nisbet, 1971:525-526/Goode, 1989:166-167) تضاد بین والدین تأثیرش از طلاق روی بچه های بیشتر است. «تروگین» اشاره می کند که وضع خانواده غیر گسسته به علت تیرگی روابط ممکن است در موقعیت هایی به بدی خانواده های گسسته

باشد و این خود روی بزهکاری تأثیر مثبت دارد.

«ویلیامز هال» نیز به پنج عامل خانوادگی مؤثر بر انحراف اشاره می‌کند که این‌ها عبارتند از: الف) خانواده گسسته شده، ب) کشش یا فشار خانواده، ج) انضباط و روابط خانواده، د) مجرمیت در خانواده، ه) اهمال و غفلت؛ (Hall Williams, 1982:89-94)

«آبراها مسون» دریافت خانواده‌های افراد بزهکار نسبت به خانواده‌های افراد غیر بزهکار در شرایط عاطفی نامطلوبی به سر می‌برند - که فشار خانواده نامیده می‌شود. این فشار خانواده با خصومت، تنفر، عصبانیت، آزرده‌گی، پرخاشگری و آشفتگی‌های عاطفی به وجود آمده و حفظ شده، هم در والدین و هم در فرزندان آشکار می‌شود. «شاو» و «مک کی» نیز اثر فزاینده فشار درونی و اختلاف را عامل تبیین‌کننده بزهکاری می‌دانستند. لذا استدلال می‌شود که عدم روابط گرم و عاطفی در خانواده روی بزهکاری تأثیر دارد.

(Hall Williams, 1982:95-100/Barber, 1992:72)

«پارسونز» به نقش عنصر عاطفه در خانواده توجه دارد و خانواده را به عنوان تنها نهاد عمده موجود در جامعه می‌داند که می‌تواند عشق و محبت و مراقبت مورد نیاز را برای رشد شخصیت انسانی در بهترین حد ارائه دهد. (Atkinson, ..., 1987:110)

طبق نظر این جامعه‌شناس، دل‌بستگی عاطفی بین اعضاء خانواده با نظم و ثبات در خانواده رابطه مستقیم یا مثبت دارد. او همچنین مدعی است که تمرکز اعضاء خانواده در جهت اهداف همسان با نظم در خانواده رابطه مستقیم دارد. (Hamilton, 1983:103)

«لاک» تأمین و کفایت اقتصادی را به عنوان تعیین‌کننده اصلی در رضایت زناشویی و طلاق می‌داند مطالعات «کانجر» و «والدر» نشان می‌دهد که فشارهای اقتصادی باعث عقب نشینی و از بین رفتن توجه و محبت بین زوجین و افزایش فروپاشی و از هم گسیختگی زندگی زناشویی، بی‌نظمی خانواده و افزایش رفتارهای خشونت‌آمیز می‌شود. (Conger & Elder, 1990:643-653)

عامل دیگری که بر نظم در خانواده تأثیر دارد، تصمیم‌گیری و همفکری مشترک می‌باشد. بیشتر مطالعات به این نتیجه رسیده‌اند که زوج‌های خوشبخت به دلیل تصمیم‌گیری مشترک، گفتگوی مفید، توافق متقابل و مشترک به عنوان نمونه، مشخص می‌شوند. سلطه یک همسر یا اختلافات گسترده بر سر قدرت، با طلاق و نارضایتی زناشویی دارای ارتباط است. طلاق و نارضایتی زناشویی بیشتر با تصمیم‌گیری موضوعات مربوط به پول ارتباط دارد. (Schaninger & Bass, 1986:130-131) در صورتی که طرفین (زن و شوهر) گرایش‌های

متفاوتی درباره خرج کردن پول داشته باشند، ممکن است تنش‌ها و تضادها به وجود آیند، وقتی یکی از طرفین قصد صرفه جویی شدید، پس انداز دقیق، را داشته باشد و دیگری عادت به حیف و میل داشته باشد، تضادها غیر قابل اجتناب هستند. «تود» و «فریدمن» دریافتند که در ازدواج‌های ناموفق، شوهران تمامی تصمیم‌گیری‌های مهم: کجا زندگی کنند، چگونه پول خود را صرف کنند و... را انجام می‌دادند. (Stewart & Glynn, 1988:371-374)

عامل مهم دیگری که بر نظم در خانواده مؤثر است، اعتقادات مذهبی می‌باشد. «فرگوسن» و «هارود» اشاره کرده‌اند خانواده‌هایی که دارای مشخصه «پایبندی مذهبی» بالایی هستند کمتر متمایل به فروپاشی هستند. (۱۹۸۴، ص ۵۴۷ - ۵۴۰) همچنین «بوث» بیان می‌کند عقاید مذهبی به صورت نیروی خاص و نگهبان ازدواج دیده می‌شود که انسجام و پیوستگی آن را تقویت می‌کند. (۱۹۸۳، ص ۳۹۰) «ویلکینسون» و «تنر» نیز می‌گویند: «پایبندی مذهبی تأثیر مستقیم روی عاطفه خانواده مستقل از فعالیتهای خانواده دارد.» (۱۹۸۴، ص ۶۶۴)

نظریه نظم خرد:

این تحقیق بر اساس نظریه نظم خرد (در گروه‌های اجتماعی) که توسط چلبی تدوین یافته، استوار می‌باشد. طبق این نظریه «نظم اجتماعی خرد حداقل در چهار بعد با چهار مشکل ماهوی مواجه است که این چهار مشکل عبارتند از: ۱) همفکری مشترک. ۲) همگامی مشترک. ۳) همدلی مشترک. ۴) همبختی مشترک.» (چلبی ۱۹۰۱۳۷۵)

چلبی این چهار مشکل (چهار ه) را برای هر گروه اجتماعی مطرح می‌کند. به نظری هر گروه یا هر «مایی» «گروه به معنی جامعه‌شناسی و اجتماعات طبیعی» اگر این چهار مشکل را در خود حل کرده باشد، دارای نظم می‌باشد و نظم آن متعادل و با ثبات است ولی اگر این چهار مشکل را داشته باشد نظم و تعادل خود را از دست داده، دچار اختلال می‌شود.

در این پژوهش، «خانواده» به عنوان نوع بارز گروه اجتماعی در نظر گرفته شده است. این چهار مشکل را برای خانواده به مثابه یک گروه ساختاری در نظر می‌گیریم. طبق این نظریه اگر خانواده این چهار مشکل را نداشته باشد، نظم آن متعادل و با ثبات است.

چلبی می‌گوید «دو عنصر اساسی سازنده جامعه در سطح خرد، فرد و تعامل است. از لحاظ تحلیلی، تعامل بالقوه دارای دو وجه عمده است یکی وجه ابزاری و دیگری اظهاری.» (۱۳۷۵ - ۱۷۰ - ۱۶)، از طریق تعامل اظهاری است که «ما» یا «اجتماع» یا «گروه اجتماعی» شکل می‌گیرد (همان، ص ۱۷) با تشکل «ما» می‌توان از نوعی نظم خرد سخن گفت، این نظم

اجتماعی همزمان در برگیرنده افراد، تعاملات و «ما» است. جهت حفظ «ما» و باطنی حفظ الگوهای تعاملی، نظم اجتماعی خرد حداقل در چهار بعد با چهار مشکل ماهوری مواجه است که عبارتند از:

۱- همفکری مشترک (L) - ۲- همگامی مشترک (G) - ۳- همدلی مشترک (I) - ۴- همبختی مشترک (A) هر گروه یا هر «مایی» باید در خودش این چهار مسأله را حل کند، در غیر این صورت دچار اختلال می‌گردد.» (همان، ص ۱۹)

	همگامی		همبختی
	G		A
	نظم خرد		
	I		L
	همدلی		همفکری

شکل ۱. چهار مشکل (چهار ه) نظم اجتماعی خرد

نقل از چلبی، ۱۳۷۵، ص ۱۹

۴

بدون حداقل مجموعه‌ای از نمادها، اطلاعات و ارزش‌های مشترک، پایداری نسبی تعاملات و «ما» قابل تصور نیست. لذا یکی از مقتضیات نظم خرد فراهم کردن حداقل همفکری، درک مشترک و ارزشیابی مشترک نسبی است. در صورتی که همفکری مشترک در ابعاد فوق الذکر نباشد در سه عنصر نظم یعنی فرد، تعامل و «ما» اختلال حاصل می‌شود و قابلیت یادگیری فرد کاهش می‌یابد، از ظرفیت اجرای فرد به طور مؤثر استفاده نمی‌شود و ذخیره نمادی شخص، منحصر به فرد و محدود باقی می‌ماند. نقشه‌های شناختی فرد اصلاح و تعمیم نمی‌پذیرند و به تبع این‌ها، فرد حداقل قدرت کنترل و انطباق خود را نسبت به محیط به طور مؤثر از دست می‌دهد. این‌ها پیامدهای اختلال در نظام شخصیتی است. (همان، ص ۱۹)

درباره عنصر تعامل نیز بدیهی است که در غیاب همفکری مشترک، تعاملات، حداقل در بعد ارتباطی دچار اختلال شده، کارکرد خود را از دست می‌دهند. به دنبال آن «ما» نیز استعداد انطباقی خود را با محیط خویش از دست می‌دهد و به تدریج حریم فرهنگی آن مخدوش و

کمرنگ می‌گردد و بالاخره در صورتی که حداقل نوعی هم ارزشی مشترک (اطلاعات ارزشی و هنجارهای مشترک) وجود نداشته باشد، هر سه عنصر مزبور به نوبه خود دچار اختلال می‌شوند. فرد، احساس تعهد و تعلق خود را نسبت به دیگران و ما از دست می‌دهد و دچار آنومی و از خود بیگانگی می‌شود یعنی نوعی سردرگمی، احساس جدایی و انزوا. تعادل نیز در بعد اظهاری مختل می‌گردد و به عبارت دیگر روابط ارتباطی (اجتماعی) آسیب می‌بینند. حقوق و تکلیف در ما نیز مخدوش و مکدر می‌شود. (همان، ص ۲۰) طبق این نظریه مشکل دوم نظم خرد (G) مسأله هماهنگی مشترک است. نظم اجتماعی نوعی سازش بیرونی را طلب می‌نماید. چرا؟ عمدتاً به خاطر اینکه افراد هر کدام در بعد ارگانیکی و ظرفیت اجرا (G) منحصر به فرد هستند. به علاوه گرچه در خلال جامعه پذیری فرض این است که همگی نیازهایشان هنجاری گردد مع ذلک هر کدام در فرایند یادگیری و جامعه پذیری، در ارتباط با محیط‌های مختلف، تجربیات منحصر به فرد کسب می‌نمایند. بنابراین قابل تصور است که افراد هر کدام خواسته‌ها و تمنیات نسبتاً مختص به خود داشته باشند. در یک کلام، افراد ضمن اینکه نفع مشترک دارند همزمان به طور نسبی و بالقوه حائز منافع متضاد، به ویژه در موقعیت کمیایی، نیز هستند. بدین ترتیب جهت جلوگیری از بالفعل شدن تضاد منافع و حاد شدن آن لازم است راه حلی پیدا شود به طوری که از طریق سازش بیرونی، عملاً به نوعی وحدت عمل و همگامی مشترک نایل آیند. در صورتی که مسأله همگامی مشترک (سازش بیرونی دو جانبه) حل نشود مصالح جمعی و بلند مدت تحت الشعاع مصالح فردی و کوتاه مدت قرار می‌گیرد. نتیجه آنکه «ما» در ارتباط بیرونی، قدرت انطباق خود را از دست می‌دهد و از لحاظ درونی دچار مشکل انسجامی می‌شود. (همان، ص ۲۰)

مسأله سوم نظم در سطح خود (I) به نظر چلبی مسأله همدلی متقابل و احساس تعلق مشترک است. او مطرح می‌کند که فی الواقع «خمیر مایه اصلی «ما» احساس تعلق افراد به یکدیگر و به ما است. فقدان حداقل نوعی همدلی و احساس تعلق مشترک یعنی نبود ما و اضمحلال «ما» به «من»ها. دورکیم نیز در تحلیل نهایی پایه هر نظم اجتماعی را عاطفه می‌داند». (همان ص ۲۰)

طبق نظریه نظم خرد، در صورتی که حداقل نوعی همدلی مشترک نباشد هر سه عنصر شخصیت، تعامل و «ما» همگی در وجه (I) دچار مشکل می‌شوند. اول اینکه فرد، تعهد و وابستگی عاطفی خود را نسبت به دیگران و به خصوص «ما» از دست می‌دهد. دوم اینکه تعامل اجتماعی معنی و مفهوم خود را از دست می‌دهد و سوم آنکه «ما» با از دست دادن بعد

اجتماعی خود و همزمان با از دست رفتن هویت جمعی افراد نسبت به ما، تبدیل به نوعی تجمع می‌شود. به عبارت دیگر هر سه عنصر به طرف قطب (A) میل می‌کنند. در واقع مرکز ثقل ما، وجه (I) آن است با میل پیدا کردن «ما» به (A) نابودی و محو ما نیز نزدیک می‌گردد. (ص ۲۱). هر چه روابط بین اعضای گروه نزدیک‌تر باشد، آن گروه از عهده حفظ و تقویت یگانگی خود برخوردار خواهد آمد.

آخرین مشکل ماهوی نظم اجتماعی که چلبی در سطح خرد مطرح می‌کند، همبختی مشترک است. مراد از همبختی مشترک نفع مشترک و اقبال مشترک است. اساساً "نفع مشترک ریشه در نیازهای عام و مشترک انسانی دارد، نیازهایی که تأمین آنها از طریق جمع و با مشارکت دیگران در جمع، بیشتر ممکن است. تجلی راه حل جمعی برای رفع بعضی نیازهای مشترک در وضعیت تعادلی یعنی تعادل‌های قراردادی (مثل قواعد رانندگی) و یا در میثاق‌ها (مثل قانون) نهفته است. (همان، ص ۲۱). به نظر چلبی «منظور از اقبال مشترک (خطر مشترک) میزان نیاز متقابل افراد است به تشریک مساعی فیزیکی. مظهر عالی این تشریک مساعی را تقسیم کار می‌دانند.»

چلبی استدلال می‌کند در صورتی که مسأله همبختی مشترک نظم حل نشود، سه عنصر، شخصیت (فرد، تعامل و «ما») همگی عمدتاً در بعد (A) دچار ضعف و اختلال می‌گردند. در رابطه با شخصیت، فرد پاسخ مؤثر را نسبت به نیازهای خود دریافت نمی‌کند و از هرگونه مازاد تعاونی بی بهره می‌گردد، بازدهی هوش و ظرفیت اجرای وی نیز کاهش می‌یابد. در رابطه با عنصر تعامل، روابط مبادله‌ای در وهله اول دچار نقصان می‌شوند و بالاخره در ارتباط با عنصر «ما» قدرت انطباقی آن با محیط بیرونی و قدرت نظارتی و تنظیم آن نسبت به محیط درونی، هر دو کاهش می‌یابد. (همان، ص ۲۲) در صورت عدم حل مسأله همبختی مشترک، هر سه عنصر فرد، تعامل و «ما» هر کدام از محور AL به سمت محور GI میل می‌نمایند. «ما» با میل کردن به طرف محور GI کوچک‌تر (از لحاظ عددی)، فشرده‌تر (از لحاظ هنجاری)، بسته‌تر (به لحاظ نوآوری و عضوگیری)، کم تحرک‌تر (به لحاظ جابجایی افراد) و بالاخره خاص‌گراتر (به لحاظ گرایش ارزشی) می‌شود. (همان)

فرضیه‌های محوری تحقیق

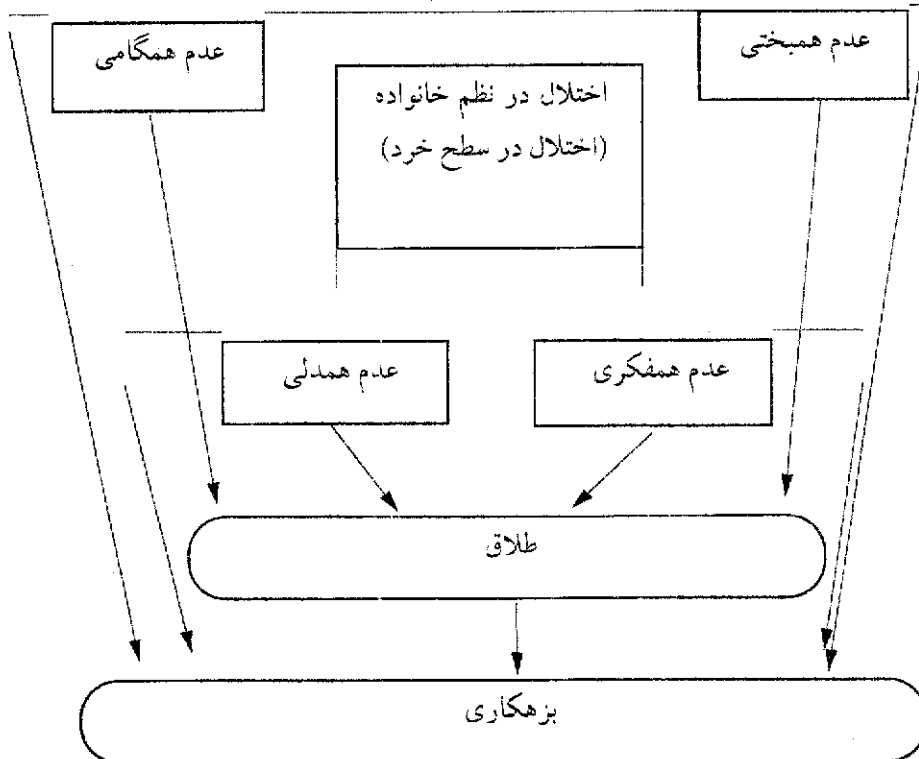
در مورد خانواده به عنوان یک گروه طبیعی با توجه به چهار مشکل طرح شده توسط چلبی در مورد نظم در سطح خرد، می‌توان چهار فرضیه اصلی به شکل زیر مطرح نمود. این

فرضیه‌ها عبارتند از:

- ۱- بین همفکری مشترک و نظم در خانواده رابطه مثبت وجود دارد.
 - ۲- بین همگامی مشترک و نظم در خانواده رابطه مثبت وجود دارد.
 - ۳- بین همدلی مشترک و نظم در خانواده رابطه مثبت وجود دارد.
 - ۴- بین همبختی مشترک و نظم در خانواده رابطه مثبت وجود دارد.
- همچنین اشاره شد که با از بین رفتن نظم در خانواده احتمال پیامدهایی منفی از جمله بزهکاری فرزندان افزایش می‌یابد. ضمناً، بحرانی‌ترین حالت از بین رفتن نظم در خانواده را «طلاق» در نظر گرفتیم. با توجه به این مطالب می‌توان فرضیه‌های زیر را مطرح کرد:
- ۱- عدم همبختی مشترک در میان اعضاء خانواده موجب اختلال در نظم خانواده می‌شود. این اختلال می‌تواند موجب طلاق و کژرفتاری اعضاء خانواده از جمله کژرفتاری فرزندان شود.
 - ۲- عدم همگامی مشترک در میان اعضاء خانواده موجب اختلال در نظم خانواده می‌شود. این اختلال می‌تواند موجب طلاق و کژرفتاری اعضاء خانواده از جمله کژرفتاری فرزندان شود.
 - ۳- عدم همفکری مشترک در میان اعضاء خانواده موجب اختلال در نظم خانواده می‌شود. این اختلال می‌تواند موجب طلاق و کژرفتاری اعضاء خانواده از جمله کژرفتاری فرزندان شود.
 - ۴- عدم همدلی مشترک در میان اعضاء خانواده موجب اختلال در نظم خانواده می‌شود این اختلال می‌تواند موجب طلاق و کژرفتاری اعضاء خانواده از جمله کژرفتاری فرزندان شود. همچنین می‌توان فرضیه زیر را مطرح کرد که:
 - ۵- طلاق احتمال کژرفتاری فرزندان را افزایش می‌دهد.
- همان‌طور که اشاره شد، داشتن ایمان، از جمله عواملی است که بر روی سلامت خانواده مؤثر است. لذا یکی از فرضیه‌های اساسی و مهم در تحقیق تأثیر گرایش مذهبی (دینداری یا دین‌ورزی) بر نظم در خانواده می‌باشد.
- ۶- اعتقادات مذهبی با نظم در خانواده رابطه مثبت دارد.
- فرضیه‌های اصلی تحقیق را می‌توان به وسیله نمودار ترسیم کرد، که در ذیل تحت عنوان الگوی علی بزهکاری به آن اشاره می‌کنیم.

الگوی علی بزهکاری

در این الگو، آن دسته از متغیرهایی منظور شده اند که گمان می رود بیشترین تأثیر را روی بزهکاری (متغیر وابسته) داشته باشد.



نمودار ۲: الگوی علی بزهکاری در سطح خانواده

با توجه به نمودار ۲، عدم همبختی مشترک، عدم همفکری مشترک، عدم همگامی مشترک و عدم هممدلی مشترک در میان اعضاء خانواده باعث اختلال در نظم خانواده می شود. از یک طرف، اختلال در نظم خانواده می تواند منجر به طلاق گردد و طلاق نیز می تواند بزهکاری فرزندان را به دنبال داشته باشد؛ یعنی اختلال در نظم خانواده می تواند به طور غیر مستقیم از طریق وقوع طلاق روی بزهکاری فرزندان تأثیر گذارد و از طرف دیگر اختلال در نظم خانواده به طور مستقیم می تواند خود منجر به بزهکاری فرزندان شود.

روش تحقیق

روش مطالعه از نوع پیمایش اجتماعی است و واحد تحلیل در این پژوهش، خانواده است و سطح مشاهده،^(۱) فرد می‌باشد. در بررسی حاضر با توجه به موقعیت سنی و تحصیلات فرد زندانی شده - جهت بررسی فرضیه‌ها - از روش مصاحبه سازمان یافته (مصاحبه شفاهی یا روش پرس و جو) استفاده گردید و پرسشنامه به عنوان ابزاری برای سنجش نقش خانواده در بزهکاری فرزندان (با تکیه بر نظم خانواده) در نظر گرفته شده. در نمودار ۳، نام متغیرهای مستقل و وابسته، همراه با مؤلفه‌های ۱ و ۲ آنها منعکس می‌باشند.

برای سنجش متغیرها عمدتاً از «طیف لیکرت»^(۲) استفاده شد. در یک پیش‌آزمون، ابتدا ۵۰ نفر در فضای منزل و زندان، در شرایط طبیعی به سؤالات پرسشنامه پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل یافته‌های پیش‌آزمون، بعضی نواقص را در پرسشنامه آشکار ساخت که بالتبع این نواقص برطرف شدند و بدین ترتیب پرسشنامه نهایی شد. در جدول ۱، میزان آلفا کرونباخ متغیرهای اصلی تحقیق در دو مرحله اولیه (پیش‌آزمون) و نهایی گزارش شده‌اند.

ضریب روایی متغیرهای مستقل

جدول ۱: ضریب روایی طیف‌ها در پرسشنامه مقدماتی و نهایی

متغیرها	پرسشنامه مقدماتی				پرسشنامه نهایی			
	تعداد	تعداد	دامنه	ضریب	تعداد	تعداد	دامنه	ضریب
همفکری	۵۰	۱۸	۱۸-۹۰	۰/۸۸۳۱	۲۴۰	۱۸	۱۸-۹۰	۰/۸۷۵۰
همگامی	۵۰	۱۶	۱۶-۸۰	۰/۸۵۴۹	۲۴۰	۱۶	۱۶-۸۰	۰/۸۳۶۳
همدلی	۵۰	۸	۸-۴۰	۰/۷۸۵۵	۲۴۰	۸	۸-۴۰	۰/۷۵۹۳
همبختی	۴۵	۷	۷-۳۵	۰/۵۱۲۱	۲۴۰	۷	۷-۳۵	۰/۵۸۱۲

جدول مزبور نشان می‌دهد که ضریب روایی برای طیف همفکری مشترک، همگامی مشترک، همدلی مشترک، همبختی مشترک در تحقیقات مقدماتی و اصلی، در حد بالا و قابل قبول می‌باشد.

تمامی واحدهای تحلیل، از شهر تهران انتخاب شدند. در تحقیق حاضر علاوه بر جامعه آماری بزهکار (در کانون اصلاح و تربیت و زندان اوین) به عنوان گروه آزمایش،

آماری بزهکار(در کانون اصلاح و تربیت و زندان اوین) به عنوان گروه آزمایش، دانش آموزان سطح تهران را به عنوان گروه گواه در نظر گرفتیم که در محدوده سنی ۱۹-۱۴ سال قرار داشتند. حجم نمونه در تحقیق حاضر ۲۴۰ نفر می باشد. (که مشتمل بر ۳۰ دختر در زندان اوین و ۷۰ پسر از کانون اصلاح و تربیت و ۷۰ دختر و ۷۰ پسر از مدارس منطقه ۱ و ۱۴ می باشد).

آزمودنی های گروه آزمایش با استفاده از روش نمونه گیری اتفاقی ساده انتخاب شدند و برای انتخاب اعضاء گروه گواه از روش نمونه گیری خوشه ای استفاده شد. برای این منظور از مناطق بیست گانه تهران به طور تصادفی بوسیله قرعه کشی دو منطقه ۱ و ۱۴ انتخاب گردید. ساکنین منطقه ۱ دارای وضعیت اقتصادی - اجتماعی بالا و منطقه ۱۴ به عنوان نماینده ای از اقشار پایین جامعه در نظر گرفته شد. سپس در هر منطقه نیز قرعه کشی ۳ دبیرستان پسرانه و ۳ دبیرستان دخترانه را انتخاب کرده، در هر مدرسه هم با استفاده از روش سیستماتیک تعدادی دانش آموز را برگزیده، با آنان مصاحبه شد.

یافته‌های تحقیق

توصیف متغیرهای وابسته

نمره انضباط:

با استفاده از نمره انضباط فرد در سه تلت قبل (آخرین سال تحصیلی) و نمره انضباطی که فرد از مادر می‌گیرد، میانگین نمره انضباط، یکی از متغیرهای وابسته برای هر فرد محاسبه گردید. جدول ۲ توزیع فراوانی نسبی این متغیر را نشان می‌دهد.

جدول ۲: نمره انضباط پاسخگویان

طبقات	رتبه بندی طبقات	مدارس			زندادان		
		دختر درصد	پسر درصد	کل درصد	دختر درصد	پسر درصد	کل درصد
۷/۵-۱۱/۹۹	خیلی پایین		۱/۴	۰/۷	۱۰	۲۲/۹	۱۹
۱۲-۱۳/۹۹	پایین	۲/۹		۱/۴	۱۶/۷	۱۴/۳	۱۵
۱۴-۱۵/۹۹	متوسط		۵/۷	۲/۹	۲۳/۳	۲۵/۷	۲۵
۱۶-۱۷/۹۹	بالا	۱۵/۷	۱۰	۱۲/۹	۶/۷	۲۵/۷	۲۰
۱۸-۲۰	خیلی بالا	۸۱/۴	۸۲/۹	۸۲/۱	۴۳/۳	۱۱/۴	۲۱
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
	n	۷۰	۷۰	۱۴۰	۳۰	۷۰	۱۰۰
	میانگین	۴/۷۵۷	۴/۷۲۹	۴/۷۴۳	۳/۵۶۷	۲/۸۸۶	۳/۰۹۰

به طور کلی ۸۲٪ از پاسخگویان مدارس دارای نمره انضباط در حد خیلی بالا بوده‌اند در حالیکه ۲۱٪ از پاسخگویان در زندان دارای نمره انضباط در حد خیلی بالا بوده‌اند، در مقایسه با گروه گواه، پاسخگویان در زندان نمره انضباط کمتری داشته‌اند. طبق جدول مذکور، در میان پاسخگویان مدارس میانگین نمره انضباط ۴/۷۴ (۱۸/۷۷) می‌باشد. در حالی که در میان پاسخگویان در زندان میانگین نمره انضباط ۳/۰۹ (۱۴/۹۳) است که در حد متوسط می‌باشد. میانگین نمره انضباط در بین دختران مدارس ۱۸/۸۴ و در میان پسران مدارس ۱۸/۶۸ می‌باشد. در میانگین نمره انضباط در بین دختران زندان ۱۶/۱۳ و در میان پسران

زندان ۱۴/۴۱ می باشد.

نوع جرم

در میان دختران زندان جرمی که بیشترین درصد را به خود اختصاص داده، رابطه نامشروع می باشد. ۴۳/۳٪ از دختران زندان نوع جرمشان رابطه نامشروع می باشد. سه تن از آنان مورد تجاوز پدر، برادر و ناپدری شان قرار گرفته بودند. انواع دیگر جرایم به ترتیب تیپ پسرانه^(۱) و منکرات (۲۰٪)، سرقت (۱۳/۳٪)، دعوا/ شرارت (۶/۷٪)، کلاهبرداری (۶/۷٪)، ولگردی (۳/۳٪) بیشترین درصد را به خود اختصاص داده اند. در میان پسران کانون بیشترین درصد را سرقت (۶۰٪) و سپس دعوا و شرارت (۱۴/۳٪) خرید و فروش مواد مخدر (۱۲/۹٪)، قتل (۴/۳٪)، کلاهبرداری (۲/۹٪)، اعتیاد (۱/۴٪) به خود اختصاص داده است.

جدول ۳: نوع جرم

طبقات	دختر (درصد)	پسر (درصد)	کل (درصد)
رابطه نامشروع	۴۳/۳		۱۳
خرید، فروش مواد		۱۲/۹	۹
دعوا / شرارت	۶/۷	۱۴/۳	۱۲
ولگردی	۳/۳		۱
سرقت	۱۳/۳	۶۰	۴۶
کلاهبرداری	۶/۷	۲/۹	۴
قتل	۶/۷	۴/۳	۵
تصادف		۴/۳	۳
اعتیاد		۱/۴	۱
تیپ پسرانه / منکرات	۲۰		۶
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
n	۳۰	۷۰	۱۰۰

مدت محکومیت

۵ نفر از کل پاسخگویان در زندان مرتکب عمل قتل شده، بلا تکلیف بودند. در تحقیق حاضر این ۵ نفر را حذف نمودیم و محاسبات مربوط به متغیر مدت محکومیت را با ۹۵ نفر انجام دادیم.

جدول ۴ نشان می‌دهد میانگین مدت محکومیت در میان دختران زندان ۱۲ ماه می‌باشد و در میان پسران ۱۱ ماه و میانگین مدت محکومیت در میان کل پاسخگویان در زندان ۱۱ ماه می‌باشد. جرایمی چون رابطه نامشروع و سرقت مسلحانه، خرید و فروش مواد مخدر بیشترین مجازات را به همراه داشته است.

جدول ۴: مدت محکومیت (مجازات مجرم) پاسخگویان در زندان بر حسب ماه

طبقات	دختر (درصد)	پسر (درصد)	کل (درصد)
۱		۱/۴	۱
۲	۱۶/۷	۱۰	۱۲
۳	۶/۷	۱۸/۶	۱۵
۴		۷/۱	۵
۵		۲/۹	۲
۶	۲۳/۳	۲۰	۲۱
۸		۱/۴	۱
۹		۲/۹	۲
۱۰		۱/۴	۱
۱۲	۱۶/۷	۱۷/۱	۱۷
۱۸	۶/۷	۱/۴	۳
۲۴	۱۶/۷	۴/۳	۸
۲۵		۱/۴	۱
۳۶	۶/۷	۱/۴	۳
۶۰		۲/۹	۲
۱۲۰		۱/۴	۱
بی ربط	۶/۷	۴/۳	۵
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
n	۳۰	۷۰	۱۰۰
میانگین	۱۲/۳۵۷	۱۱/۰۳۰	۱۱/۴۲۱

طلاق

نتایج نشان می‌دهد در میان دختران مدارس ۷٪، والدین شان از هم جدا شده‌اند و در میان پسران مدارس ۱٪ (۴٪ در کل) والدین شان از هم جدا شده‌اند و نیز در میان دختران زندان ۳۰٪ و در میان پسران کانون ۳۱/۴٪ (۳۱٪ در کل) والدین شان از هم جدا شده‌اند. میزان طلاق و جدایی والدین در میان بچه‌های زندان بیشتر از بچه‌ها در مدارس می‌باشد.

ابعاد چهارگانه نظم و شاخص نظم در خانواده در میان پاسخگویان مدارس و زندان

جدول ۵ نشان می‌دهد که میزان همدلی مشترک در میان دانش‌آموزان مدارس متوسط برای هر نفر معادل ۳/۵۳؛ یعنی نزدیک به زیاد است.

انحراف معیار نمرات دانش‌آموزان مدارس در ارتباط با شاخص همدلی مشترک معادل ۶۱٪ بدست آمده است. بنابراین نمرات بیش از نیمی از پاسخگویان در مدارس بین ۲/۹۲ تا ۴/۱۴ در تغییر است.

حداقل نمرات پاسخگویان مدارس ۱ و حداکثر آن ۵ می‌باشد؛ یعنی اختلاف نمرات افراد دارای کمترین و بیشترین نمره میزان همدلی مشترک برابر ۴ می‌باشد.

جدول ۶ نشان می‌دهد نمرات پاسخگویان زندان در ارتباط با شاخص همدلی مشترک معادل ۳/۲۹ می‌باشد که با توجه به دامنه بالقوه نمرات پاسخگویان که بین ۱ تا ۵ قرار دارد، میانگین حاصل نشان می‌دهد که «همدلی مشترک» پاسخگویان در زندان کمی بیش از حد متوسط می‌باشد.

حداقل نمرات پاسخگویان در زندان ۲ و حداکثر آن ۵ می‌باشد یعنی اختلاف نمره ۳ است.

میانگین شاخص همفکری مشترک برای دانش‌آموزان معادل ۳/۷۶ می‌باشد که نسبتاً بالا است.

میانگین شاخص همفکری مشترک در بین زندانیان (گروه آزمایش) (۳/۳۷) می‌باشد که نشان می‌دهد همفکری در سطح متوسط می‌باشد.

میانگین شاخص همبختی مشترک در میان دانش‌آموزان در سطح بسیار بالایی (۴/۱۸۶) می‌باشد. میانگین شاخص مذکور در بین زندانیان (۳/۸۳) است.

جدول ۵: ابعاد چهارگانه نظم و شاخص نظم در خانواده در میان پاسخگویان مدارس $n=140$

طبقات شاخص‌ها	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	بی ربط	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
همدلی مشترک	۷٪	۲/۹	۳۹/۳	۵۴/۳	۱/۴	۱/۴	۳/۵۳۶	۰/۶۱۸	۱	۵
همفکری مشترک	۷٪	۵	۳۱/۴	۴۲/۹	۲۰		۳/۷۶۴	۰/۸۵۳	۱	۵
همبختی مشترک		۱/۴	۱۵	۴۷/۱	۳۶/۴		۴/۱۸۶	۰/۸۳۵	۲	۵
همگامی مشترک		۵	۳۱/۴	۴۰	۲۳/۶		۳/۸۲۱	۰/۸۵۰	۲	۵
نظم در خانواده		۲/۹	۲۱/۴	۶۴/۳	۱۰	۱/۴	۳/۸۲۶	۰/۶۳۸	۲	۵

جدول ۶: ابعاد چهارگانه نظم و شاخص نظم در خانواده در میان $n=140$

طبقات شاخص‌ها	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	بی ربط	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
همدلی مشترک		۷	۵۵	۳۳	۱	۴	۳/۲۹۲	۰/۶۱۴	۲	۵
همفکری مشترک	۲	۱۵	۳۶	۳۸	۹		۳/۳۷۰	۰/۹۱۷	۱	۵
همبختی مشترک	۲	۵	۲۶	۴۲	۲۵		۳/۸۳۰	۰/۹۳۱	۱	۵
همگامی مشترک	۲	۱۵	۵۳	۲۹	۱		۳/۱۲۰	۰/۷۴۲	۱	۵
نظم در خانواده		۵	۴۸	۴۱	۲	۴	۳/۴۱۷	۰/۶۲۷	۲	۵

میانگین شاخص همگامی مشترک برای دانش‌آموزان عدد (۳/۸۲) را نشان می‌دهد. همچنین میانگین شاخص مذکور مربوط به پاسخگویان در زندان (۳/۱۲) می‌باشد. از ترکیب تک تک متغیرهای همدلی مشترک، همفکری مشترک، همبختی مشترک و همگامی مشترک، شاخص نظم در خانواده ساخته شد که دارای گستره تغییر بین ۴۹ تا ۲۴۵ می‌باشد. میانگین شاخص نظم در خانواده برای دانش‌آموزان عدد (۳/۸۲) را نشان می‌دهد و میانگین شاخص مذکور برای پاسخگویان در زندان (۳/۴۱) می‌باشد.

روابط همبستگی بین متغیرهای نظم در خانواده:

به منظور بررسی روابط بین متغیرهای نظم در خانواده، کلیه شاخص‌های ساخته شده که خود حاصل اجزاء و معرف‌های نهایی نظم در خانواده بودند، با یکدیگر و با شاخص نظم در خانواده در ارتباط گذاشته شد تا شدت و جهت روابط مورد بررسی قرار گیرد. از آنجا که هر یک از متغیرهای نظم در خانواده در ساخت شاخص نظم در خانواده سهیم هستند، در اینجا به منظور جلوگیری از همبستگی بین خود (Autocorrelation) و دقیق‌تر بودن نتیجه برای محاسبه هر خانه از ستون‌های سطر آخر جداول زیر، شاخص نظم در خانواده بدون نمره هر متغیر محاسبه شده و سپس روابط آن با ابعاد نظم در خانواده (همفکری مشترک، همدلی مشترک، همگامی مشترک، همبختی مشترک) مورد بررسی و محاسبه قرار گرفته است. اعداد ردیف اول ضریب همبستگی پیرسون، اعداد داخل پرانتز نشان دهنده (n) تعداد پاسخگویانی است که بر مبنای آن‌ها این محاسبات انجام گرفته‌اند و اعداد ردیف سوم سطح معناداری می‌باشد.

جدول ۷: ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای نظم در خانواده (برای پسران و دختران مدارس)

	همفکری	همگامی	همبختی	همدلی
همگامی	۰/۴۹۵۰ (۱۴۰) $P=۰/۰۰۰۰+++$			
همبختی	۰/۰۵۴۲ (۱۴۰) $P=۰/۰۵۲۵$	۰/۲۱۴۰ (۱۴۰) $P=۰/۰۱۱$		
همدلی	۰/۴۵۵۹ (۱۳۸) $P=۰/۰۰۰۰+++$	۰/۳۸۹۲ (۱۳۸) $P=۰/۰۰۰۰+++$	۰/۳۰۰۱ (۱۳۸) $P=۰/۰۰۰۰+++$	
نظم در خانواده	۰/۵۰۶۶ (۱۳۸)	۰/۵۳۴۵ (۱۳۸)	۰/۱۹۷۲ (۱۳۸)	۰/۵۳۰۲ (۱۳۸)

جدول ۷ نشان می‌دهد که به ترتیب متغیرهای همگامی، همدلی، همفکری و همبختی با شاخص نظم در خانواده دارای همبستگی می‌باشند.

جدول ۸ نشان می‌دهد که به ترتیب متغیرهای همفکری، همدلی، همبختی و همگامی با شاخص نظم در خانواده دارای ارتباط می‌باشند.

جدول ۸: ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای نظم در خانواده (برای دختران و پسران زندان)

	همفکری	همگامی	همبختی	همدلی
همگامی	۰/۳۰۲۲ (۱۰۰) P=۰/۰۰۰۰۰۰+			
همبختی	۰/۴۶۰۹ (۱۰۰) P=۰/۰۰۰۰۰۰+	۰/۳۶۸۴ (۱۰۰) P=۰/۰۰۰۰۰۰+		
همدلی	۰/۵۹۰۱ (۹۶) P=۰/۰۰۰۰۰۰+	۰/۲۴۱۴ (۹۶) P=۰/۰۰۱۸+	۰/۴۵۶۹ (۹۶) P=۰/۰۰۰۰۰۰+	
نظم در خانواده	۰/۵۸۶۶ (۹۶) P=۰/۰۰۰۰۰۰+	۰/۳۶۹۹ (۹۶) P=۰/۰۰۰۰۰۰+	۰/۵۴۹۵ (۹۶) P=۰/۰۰۰۰۰۰+	۰/۵۶۹۰ (۹۶) P=۰/۰۰۰۰۰۰+

نتایج مربوط به متغیر مستقل نظم در خانواده با نمره انضباط با مراجعه به جداول ۹ و ۱۰ ملاحظه می‌شود که بین متغیرهای همگامی مشترک، همبختی مشترک، همدلی مشترک، همفکری مشترک و شاخص نظم در خانواده با متغیر وابسته (نمره انضباط) رابطه مثبت، قوی و معنادار وجود دارد. یعنی هر چه همگامی مشترک، همبختی مشترک، همدلی مشترک و همفکری مشترک بیشتر (نظم در خانواده با ثبات تر) باشد نمره انضباط فرزند بیشتر است.

جدول ۹: روابط بین متغیرهای مستقل نظم در خانواده با نمره انضباط (کل مدارس $n=140$)

متغیرهای مستقل متغیر وابسته	همگامی	همبختی	همدلی	همفکری	شاخص نظم
نمره انضباط	$r=0/27720$	$r=0/3602$	$r=0/2938$	$r=0/3245$	$r=4112$
	(۱۴۰)	(۱۴۰)	(۱۳۸)	(۱۴۰)	(۱۳۸)
	$S=0/001$	$S=0/000$	$S=0/000$	$S=0/000$	$S=0/000$
	++	+++	+++	+++	+++

جدول ۱۰: روابط بین متغیرهای مستقل نظم در خانواده با نمره انضباط (کل زندان $n=100$)

متغیرهای مستقل متغیر وابسته	همگامی	همبختی	همدلی	همفکری	شاخص نظم
نمره انضباط	$r=0/2516$	$r=0/3265$	$r=0/4547$	$r=0/3216$	$r=4552$
	(۱۰۰)	(۱۰۰)	(۹۶)	(۱۰۰)	(۹۶)
	$S=0/012$	$S=0/001$	$S=0/000$	$S=0/001$	$S=0/000$
	+	+++	++-	+++	+++

رابطه بین متغیر مستقل نظم در خانواده با مدت محکومیت

جدول ۱۱ نشان می‌دهد که بین متغیرهای همگامی مشترک، همبختی مشترک، همدلی مشترک و همفکری مشترک و شاخص نظم در خانواده با متغیر مدت محکومیت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. یعنی هر چه همگامی و همبختی و همدلی و همفکری مشترک در خانواده بیشتر باشد میزان بزهکاری کمتر می‌باشد، همچنین هر چه نظم در خانواده بیشتر و با ثبات تر باشد میزان بزهکاری فرزند کمتر می‌باشد.

رابطه طلاق و نمره انضباط

از آنجا که متغیر مستقل طلاق دارای سطح سنجش اسمی و متغیر وابسته (نمره انضباط) دارای

سطح سنجش فاصله‌ای می‌باشد از تحلیل و اریانس یک طرفه برای نشان دادن رابطه بین این دو متغیر استفاده شده است.

جدول ۱۱: روابط بین متغیرهای مستقل نظم در خانواده با مدت محکومیت (دختر و پسر زندان $n=95$)

متغیرهای مستقل متغیر وابسته	همگامی	همبختی	همدلی	همفکری	شاخص نظم
	$F=0/1822$	$F=0/2359$	$F=0/2741$	$F=0/3092$	$F=0/3398$
مدت محکومیت	(95)	(95)	(91)	(95)	(91)
	$S=0/077$	$S=0/021$	$S=0/009$	$S=0/002$	$S=0/001$
		+	++	++	++

جدول ۱۲: رابطه بین طلاق و نمره انضباط (دختر و پسر مدارس $n=140$)

متغیر وابسته	متغیر مستقل	طبقات	تعداد	میانگین	ارزش f	Eta	معنی داری
	طلاق	طلاق گرفته	6	17/2500	7/6422	0/2291	0/0065
	(جدایی والدین)	طلاق نگرفته	134	18/8349			

Eta Squared-%5929

جدول ۱۲ حاکی از آن است که کسانی که والدین شان از هم جدا نشده‌اند از نمره انضباط بیشتری نسبت به کسانی که والدین شان از هم جدا شده‌اند برخوردارند. ضریب همبستگی ۱ تا $Eta=0/22$ است و در سطح $0/0065$ معنادار می‌باشد که نشان می‌دهد رابطه نسبتاً ضعیف اما معنادار بین این دو متغیر وجود دارد.

جدول ۱۳: رابطه بین طلاق و نمره انضباط (دختر و پسر زندان $n=100$)

متغیر وابسته	متغیر مستقل	طبقات	تعداد	میانگین	ارزش f	Eta	معنی داری
نمره انضباط	طلاق	طلاق گرفته	31	11/2173	142/6993	0/7700	0/0000
	(جدایی والدین)	طلاق نگرفته	69	16/5978			

Eta Squared-%5929

جدول ۱۳ نشان می‌دهد از لحاظ میانگین نمره انضباط تفاوت معناداری بین دو گروه کسانی که والدین شان از هم جدا شده‌اند و کسانی که والدین شان از هم جدا نشده‌اند وجود دارد. جدول ۱۳ نشان می‌دهد در حالی که میانگین نمره انضباط در گروهی که والدین شان از هم جدا نشده‌اند ۱۶/۵۹ است، در گروهی که والدین شان از هم جدا شده‌اند ۱۱/۲۱ می‌باشد. میزان این همبستگی $\text{Eta} = 0/77$ و در سطح $0/000$ معنادار می‌باشد و این دال بر وجود رابطه قوی بین دو متغیر مربوطه است.

رابطه بین طلاق و مدت محکومیت

جدول ۱۴ نشان می‌دهد که در میان کل پاسخگویان در زندان کسانی که والدین شان از هم جدا شده‌اند از مدت محکومیت کمتری (۸ ماه) نسبت به کسانی که والدین شان از هم جدا شده‌اند (۱۶ ماه) برخوردارند.

بین طلاق والدین و مدت محکومیت تفاوت وجود دارد. میزان پیوستگی $\text{Eta} = 0/22$ بدست آمده است و در سطح $0/02$ معنادار می‌باشد.

جدول ۱۴: رابطه بین طلاق و مدت محکومیت (دختر و پسر زندان $n=95$)

متغیر وابسته	متغیر مستقل	طبقات	تعداد	میانگین	ارزش f	Eta	معنی داری
مدت	طلاق	طلاق گرفته	۳۱	۱۶/۵۱۶۱	۵/۰۶۱۱	۰/۲۲۷۲	۰/۰۲۶۸
محکومیت	(جدا بی والدین)	طلاق نگرفته	۶۴	۸/۹۵۲۱			

Eta Squared- % ۵۱۶

رابطه طلاق والدین با بزهکاری (مجرم بودن یا نبودن) ($n=240$)

از آنجا که متغیر طلاق در سطح سنجش اسمی و بزهکاری (مجرم بودن یا مجرم نبودن) نیز در سطح سنجش اسمی می‌باشد از آزمون X^2 و جدول توافق برای نشان دادن رابطه بین این دو متغیر استفاده شده است.

لازم به ذکر است که سطر اول هر خانه جدول نشان دهنده فراوانی مشاهده شده، سطر دوم فراوانی مورد انتظار و سطر سوم درصد ستونی می‌باشد.

جدول مذکور نشان می‌دهد ۶۶٪ از پاسخگويانی که والدین شان از هم جدا نشده‌اند، مجرم نبودند و ۳۴٪ از پاسخگويان که والدین شان از هم جدا نشده‌اند، مجرم بودند و

۱۶/۲٪ از پاسخگویان که والدین شان از هم جدا شده بودند، مجرم بودند. کسانی که والدین از هم جدا شده‌اند (۸۳/۸٪) مجرم بوده‌اند. ($Q=0/36$).

جدول ۱۵: بزهکاری بر حسب طلاق والدین در میان کل پاسخگویان ($n=240$)

جمع	طلاق والدین		بزهکاری
	طلاق گرفته	طلاق نگرفته	
۱۴۰ (۵۸/۳)	۶ ۲۱/۶ ۱۶/۲	۱۳۴ ۱۱۸/۴ ۶۶	مجرم نبودن
۱۰۰ (۴۱/۷)	۳۱ ۱۵/۴ ۸۳/۸	۶۹ ۸۴/۶ ۳۴	مجرم بودن
۲۴۰ (۱۰۰)	۳۷ (۱۵/۴)	۲۰۳ (۸۴/۶)	جمع
$X=31/92482$	DF=1		sig=0/00000
$\Phi=0/36472$			sig=0/00000
$\text{Cramer's } V=0/36472$			sig=0/00000

بنابراین، فرضیه فوق که طلاق والدین احتمال بزهکاری فرزند را افزایش می‌دهد، تأیید می‌شود.

نتایج مربوط به تأثیر متغیر مستقل نظم در خانواده بر متغیر طلاق والدین جدول ۱۶ نشان می‌دهند بین متغیر طلاق والدین و شاخص نظم در خانواده تفاوت وجود دارد و این تفاوت به لحاظ آماری معنادار است (تصادفی نیست). X^2 و سطح معناداری آن نشان می‌دهد بین شاخص نظم در خانواده^(۱) و طلاق رابطه وجود دارد. ضریب فی برابر با ۰/۳۸ است که نشان می‌دهد رابطه متوسطی بین دو متغیر وجود دارد. شواهد موجود در جدول مذکور این گمانه را تأیید می‌کند که هر چه نظم در خانواده بیشتر و با ثبات تر باشد احتمال وقوع طلاق و جدایی والدین کمتر می‌باشد و یا به عبارتی اختلال در نظم

خانواده، احتمال طلاق و جدایی والدین را افزایش می‌دهد.

جدول ۱۶: طلاق والدین بر حسب نظم در خانواده در میان کل پاسخگویان (n=۲۴۰)

جمع	نظم در خانواده			طلاق
	زیاد	متوسط	کم	
۱۹۹ (۸۵)	۴۲ ۳۵/۷ ۱۰۰	۱۳۸ ۱۳۳/۵ ۸۷/۹	۱۹ ۲۹/۸ ۵۴/۳	طلاق نگرفته
۳۵ (۱۵)	۰ ۶/۳ ۰	۱۹ ۲۳/۵ ۱۲/۱	۱۶ ۵/۲ ۴۵/۷	طلاق گرفته
۲۳۴(۱۰۰)	۴۲(۱۷/۹)	۱۵۷(۶۷/۱)	۳۵(۱۵)	جمع
X=۳۱/۴۲۲۸۲	DF=۲			sig=۰/۰۰۰۰۰
Phi=۰/۳۸۳۵۴				sig=۰/۰۰۰۰۰
Cramer's V=۰/۳۸۳۵۴				sig=۰/۰۰۰۰۰

نتایج مربوط به تأثیر متغیر مستقل نظم در خانواده بر متغیر بزهکاری فرزندان طبق جدول ۱۷، بین مجرم بودن و مجرم نبودن (بزهکاری) و شاخص نظم در خانواده تفاوت وجود دارد و این تفاوت به لحاظ آماری معنادار است (تصادفی نیست).
 X^2 و سطح معناداری آن نشان می‌دهد که بین متغیر نظم در خانواده و بزهکاری رابطه وجود دارد. ضریب فی میزان رابطه بین این دو متغیر را نشان می‌دهد، مقدار فی نشان می‌دهد که رابطه متوسط ضعیف بین دو متغیر وجود دارد. یعنی اینکه نظم زیاد در خانواده، بیشتر در میان پاسخگویانی که مجرم نبودند به چشم می‌خورد در حالی که نظم زیاد در خانواده بین کسانی که مجرم بودند کمتر به چشم می‌خورد. یعنی هر چه نظم در خانواده با ثبات تر و بیشتر باشد بزهکاری کمتر می‌باشد. نظم کم در خانواده بیشتر در میان پاسخگویانی که مجرم بودند به چشم می‌خورد.

نتایج ضرایب همبستگی بین متغیر گرایش دینی والدین با شاخص نظم در خانواده قبلاً اشاره شد که یکی از فرضیه‌های مهم تحقیق این است که پایبندی والدین به دین تأثیر مثبت بر نظم در خانواده دارد.

جدول ۱۷: بزهکاری بر حسب نظم در خانواده در میان کل پاسخگویان (n=۲۴۰)

جمع	نظم در خانواده			بزهکاری
	زیاد	متوسط	کم	
۱۳۸ (۵۹)	۳۶ ۲۴/۸ ۸۵/۷	۹۳ ۹۲/۶ ۵۹/۲	۹ ۲۰/۶ ۲۵/۷	مجرم نبودن
۹۶ (۴۱)	۶ ۱۷/۲ ۱۴/۳	۶۴ ۶۴/۴ ۴۰/۸	۲۶ ۱۴/۴ ۷۴/۳	مجرم بودن
۲۳۴(۱۰۰)	۴۲(۱۷/۹)	۱۵۷(۶۷/۱)	۳۵(۱۵)	جمع
X ² =۲۸/۴۱۹۴۹		DF=۲	sig=۰/۰۰۰۰۰۰	
Phi=۰/۳۴۸۵۰			sig=۰/۰۰۰۰۰۰	
Cramer's V=۰/۳۴۸۵۰			sig=۰/۰۰۰۰۰۰	

همبستگی بین متغیر گرایش دینی والدین و نظم در خانواده با (n=۲۴۰) برابر با ۰/۳۶ می‌باشد که نشان می‌دهد بین متغیر گرایش دینی والدین و نظم در خانواده رابطه متوسط، مستقیم (مثبت) و معناداری وجود دارد. یعنی هر چه پایبندی والدین به دین بیشتر باشد نظم در خانواده با ثبات‌تر می‌باشد.

در میان دختران و پسران در مدارس همبستگی بین دو متغیر نسبتاً ضعیف می‌باشد اما جهت رابطه مثبت است و معنادار نیز نمی‌باشد و در میان کل پاسخگویان مدارس همبستگی پیرسون برابر با ۰/۱۴ می‌باشد که رابطه ضعیف و جهت آن مثبت می‌باشد. در میان کل پاسخگویان در زندان ضریب پیرسون برابر با ۰/۴۳ است که نشان می‌دهد رابطه متوسطی بین



دو متغیر وجود دارد. جهت رابطه‌ای مثبت می‌باشد و معنادار است.

جدول ۱۸: ضرایب همبستگی بین متغیر گرایش دینی والدین با شاخص نظم در خانواده

شاخص کل			وابسته
معنی داری	همبستگی	تعداد	مستقل
۰/۰۰۰	$r=۰/۳۶۹۴$	کل پاسخگویان $n=۲۳۴$	
۰/۱۷۴	$r=۰/۱۶۴۲$	دخترمدارس $n=۷۰$	
۰/۲۷۲	$r=۰/۱۳۵۱$	پسرمدارس $n=۶۸$	
۰/۰۹۶	$r=۰/۱۴۲۲$	کل مدارس $n=۱۳۸$	
۰/۰۰۳	$r=۰/۵۴۴۵$	دخترزندان $n=۲۷$	
۰/۰۰۲	$r=۰/۳۷۴۶$	پسرزندان $n=۶۹$	
۰/۰۰۰	$r=۰/۴۳۲۳$	کل زندان $n=۹۶$	
ضرایب همبستگی پیرسون Pearson دامنه تغییرات $-1 < r < +1$			

بررسی مشارکت نسبی متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته:

در این بخش با استفاده از رگرسیون چند متغیری، تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

جدول ۱۹: رگرسیون چند متغیری برای تبیین نمره انضباط در میان کل

پاسخگویان $n=۲۴۰$

متغیرهای مستقل	وزن بتا BETA	آزمون F	سطح معنی داری Sig
همگامی مشترک	۰/۲۱۸۰۱۹	۴/۵۹۰	۰/۰۰۰۰
همدلی مشترک	۰/۰۹۶۳۵۴	۱/۹۲۷	۰/۰۵۵۳
طلاق	-۰/۶۰۸۶۰۰	-۱۲/۶۲۰	۰/۰...
ضریب همبستگی چندگانه $\text{Multiple R}=۰/۷۴۶۷۴$			$F=۹۶/۶۴۱۲۸$
$R \text{ Square}=۰/۵۵۷۶۳$			
$\text{Adjusted R Square}=۰/۵۵۱۸۶$			$\text{Sig F}=۰/۰۰۰۰$

جدول ۱۹ نشان می‌دهد که متغیر همگامی مشترک، به عنوان اولین تبیین کننده نمره انضباط عمل می‌کند. این مسأله گواه آن است که هر چه همگامی مشترک در خانواده بیشتر باشد، نمره انضباط نیز افزایش می‌یابد.

متغیر همدلی مشترک به عنوان دومین متغیری که در تبیین مسأله بیشترین سهم را ایفا می‌کند وارد معادله رگرسیونی شده است. این مسأله گواه آن است که هر چقدر همدلی مشترک در خانواده بیشتر باشد نمره انضباط نیز افزایش می‌یابد.

متغیر طلاق^۱ به عنوان سومین متغیر وارد معادله شده است که نشان می‌دهد وقوع طلاق باعث کاهش نمره انضباط فرزند می‌گردد. (R^2) ۵۵٪ از کل تغییرات نمره انضباط توسط متغیرهای فوق توضیح داده شده است.

جدول ۲۰: رگرسیون چند متغیر برای تبیین نمره انضباط $N=240$

متغیرهای مستقل	وزن بتا BETA	آزمون F	سطح معنی داری Sig
طلاق	-۰/۵۳۸۷۲۳	۱۲/۵۶۳	۰/۰۰۰۰
سواد پاسخگو	۰/۳۱۲۷۰۹	۶/۴۸۰	۰/۰۰۰۰
همدلی	۰/۱۰۹۹۳۴	۲/۵۲۰	۰/۰۱۲۴
همگامی	۰/۱۳۹۱۳۱	۳/۲۳۸	۰/۰۰۱۴
سن پاسخگو	-۰/۱۵۲۳۵۷	۳/۶۸۰	۰/۰۰۰۳
درآمد پدر	-۰/۱۴۶۱۲۷	۳/۷۲۲	۰/۰۰۰۳
جنس پاسخگو	-۰/۱۴۲۴۳۶	۳/۲۶۳	۰/۰۰۱۳
ضریب همبستگی چندگانه			Multiple= $0/82753$
			R Square= $0/68480$
			Adjusted R Square= $0/67468$
			Standard Error= $0/57128$
F=۶۷/۶۶۰۸۲			Sig F= $0/0000$
Constant= $2/44$			

۱- طلاق: قطب مثبت

جدول ۲۰ نشان می‌دهد که متغیر طلاق به عنوان اولین تبیین کننده نمره انضباط عمل می‌کند، یعنی نمره انضباط پاسخگویان در گرو وضعیت زناشویی والدین (طلاق یا عدم طلاق) آنهاست. یعنی اگر طلاق در خانواده اتفاق بیفتد، نمره انضباط فرزند کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر طلاق و جدایی والدین روی نمره انضباط فرزند تأثیر منفی دارد.

متغیر سواد پاسخگو به عنوان دومین متغیری که در تبیین مسأله بیشترین سهم را ایفا می‌کند، وارد معادله رگرسیونی شده است. این مسأله گواه آن است که هر چقدر سواد پاسخگو افزایش یابد نمره انضباط نیز افزایش می‌یابد.

همدلی مشترک به عنوان تبیین کننده بعدی حاکی است که هر چقدر همدلی مشترک (علاقه بین اعضاء خانواده و ساعات یا هم بودن اعضاء) افزایش می‌یابد، نمره انضباط فرد نیز افزایش می‌یابد.

همگامی به عنوان متغیر بعدی، اثر مثبت روی نمره انضباط دارد.

سن پاسخگو در وهله پنجم در تبیین متغیر وابسته نقش دارد. که نشان می‌دهد هر چه سن پاسخگو بیشتر باشد، نمره انضباط کمتر می‌باشد.

درآمد پدر^۱ به عنوان ششمین تبیین کننده حاکی است که هر چه درآمد پدر بیشتر باشد، نمره انضباط فرزند کمتر می‌باشد.

جنس پاسخگو رتبه هفتم را در تبیین نمره انضباط دارا است، یعنی اینکه نمره انضباط پسران کمتر از نمره انضباط دختران می‌باشد. $(R^2) 68\%$ است. یعنی اینکه 68% از کل تغییرات نمره انضباط توسط متغیرهای فوق توضیح داده شده است.

مشارکت نسبی متغیرهای مستقل در تبیین متغیر طلاق با استفاده از رگرسیون لجستیک

در تحقیق حاضر، متغیر طلاق یک متغیر دوارزشی است و می‌خواهیم عواملی را که بر روی طلاق تأثیر می‌گذارند مانند (همگامی مشترک، همبختی مشترک، همدلی مشترک و همفکری مشترک و...) که در سطح سنجش فاصله‌ای می‌باشند) بررسی کنیم. استفاده از مدل رگرسیون خطی برای تجزیه و تحلیل متغیر وابسته دوارزشی، مشکلاتی در برآورد مدل ایجاد می‌کند به

۱- قبل از ورود متغیر درآمد پدر به رگرسیون چند متغیری، برای اینکه توزیع درآمد پدر به توزیع نرمال نزدیک شود، لگاریتم متغیر درآمد پدر محاسبه شد. چون در آمد پدر چولگی دارد و جوله به راست می‌باشد برای برطرف کردن چولگی درآمد پدر لگاریتم درآمد را محاسبه کرده و در تحلیل رگرسیون متغیر (Log Income) وارد کردیم.

طوری که برآوردهای به دست آمده ممکن است قابل اعتماد نباشند. معمولاً فرضیات مدل برآورد نمی‌شود، مثلاً خطاها دارای توزیع نرمال نیستند و فقط می‌توانند دو ارزش به خود بگیرند. مهم‌ترین مسأله این است که پیش‌بینی‌ها ممکن است خارج از محدوده صفر و یک قرار بگیرند. بنابراین استفاده از مدل رگرسیون خطی برای تجزیه و تحلیل متغیرهای وابسته دو ارزشی مناسب نیست و برای این کار از مدل‌های دیگر چون لجیت^(۱) و پرویت^(۲) و لجستیک استفاده می‌کنند.

در پژوهش حاضر برای بررسی عوامل مؤثر بر رویداد طلاق از مدل لجستیک استفاده شده است. لازم است یادآوری شود که در تحلیل رگرسیون لجستیک، روش پیش‌روند شرطی به کار گرفته شده است.

در اینجا تأثیر متغیرهای همگامی مشترک، همدلی مشترک، همبختی مشترک و همفکری مشترک و متغیرهای پیشینه‌ای مانند سن پدر و مادر، تحصیلات پدر و مادر و گرایش دینی والدین و درآمد پدر را بر روی متغیر طلاق با استفاده از رگرسیون لجستیک بررسی می‌کنیم. جدول ۲۱ نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک را در مورد رویداد طلاق نشان می‌دهد.

جدول ۲۱: مشارکت نسبی متغیرهای مستقل در تبیین رویداد طلاق

متغیرها	وزن بتا Beta	آزمون Wald	سطح معنی داری Sig
همبختی مشترک	-۰/۸۱۸۷	۷/۹۷۷۵	۰/۰۰۴۷
همدلی مشترک	-۰/۵۶۷۷	۵/۰۷۲۰	۰/۰۲۴۳
سن پدر	-۰/۱۰۷۸	۷/۸۸۸۴	۰/۰۰۵۰
گرایش دینی والدین	-۰/۲۹۷۷	۱۲/۸۲۷۲	۰/۰۰۰۳
درآمد پدر	-۰/۴۵۷۴	۴/۲۵۸۸	۰/۰۳۹۰

جدول ۲۱ نشان می‌دهد که متغیر مشترک مهم‌ترین مانع بروز طلاق می‌باشد، یعنی هر چه همبختی مشترک در خانواده بیشتر باشد احتمال وقوع طلاق کمتر می‌باشد. متغیر همدلی مشترک به عنوان دومین متغیری که در تبیین مسأله بیشترین سهم را ایفا می‌کند، وارد معادله رگرسیونی شده است. این مسأله گواه آن است که هر چه همدلی مشترک در خانواده (یعنی علاقه مشترک بین اعضاء و ساعات با هم بودن) بیشتر باشد احتمال وقوع طلاق کمتر می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که همبختی مشترک (وجود فرزندان) به عنوان مانع طلاق و همدلی مشترک به عنوان عامل تداوم بخش زندگی می‌باشد.

سن پدر در وهله سوم در تبیین متغیر وابسته نقش دارد که نشان می‌دهد هر چه سن پدر خانواده بیشتر باشد احتمال وقوع طلاق کمتر می‌باشد.

گرایش دینی والدین در وهله چهارم در تبیین متغیر وابسته نقش دارد؛ یعنی هر چه گرایش دینی والدین بیشتر و قوی‌تر باشد (پایبندی به دین بیشتر باشد) احتمال وقوع طلاق کمتر می‌باشد.

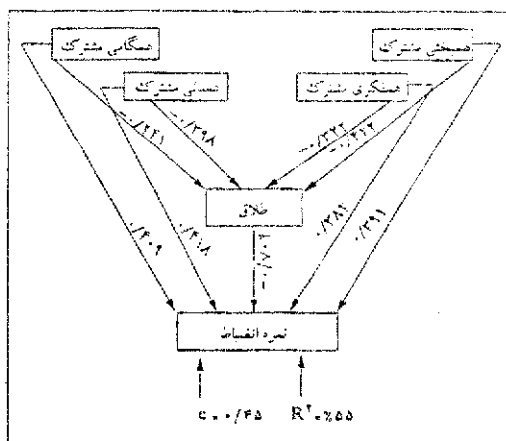
درآمد پدر به عنوان پنجمین تبیین کننده حاکی است که هر چه درآمد پدر بیشتر باشد احتمال وقوع طلاق کمتر می‌باشد.

از بین تمامی متغیرهای مستقل ارائه شده، تنها ترکیب ۵ متغیر (همبختی مشترک، همدلی مشترک، سن پدر، گرایش دینی والدین و درآمد پدر) به طور معناداری در پیش بینی احتمال وقوع طلاق مشارکت دارند.

تحلیل مسیر^۱

همان طور که ملاحظه می‌گردد طلاق بالاترین سهم (تأثیر مستقیم) را بر نمره انضباط دارد. میزان تأثیر این متغیر ۰/۷۰ است. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که طلاق موجب کاهش نمره انضباط می‌گردد. به عبارتی هر چه طلاق بیشتر باشد نمره انضباط کمتر است.

مدل ۲۲: دیاگرام مسیر مربوط به نمره انضباط در میان کل پاسخگویان



1-Path Analysis

همدلی مشترک با ضریب مسیر ۰/۴۱ بیانگر آن است که هر چه همدلی مشترک (علاقه بین اعضای خانواده و ساعات با هم بودن اعضاء) بیشتر باشد نمره انضباط هم بیشتر می باشد. همگامی مشترک به عنوان سومین تبیین کننده متغیر وابسته با ضریب مسیر ۰/۴۱ نشان می دهد که هر چه همگامی مشترک در خانواده افزایش می یابد نمره انضباط نیز افزایش می یابد.

همبختی مشترک با ضریب مسیر ۰/۳۹ نشان می دهد که هر چه همبختی مشترک در خانواده بیشتر باشد، نمره انضباط فرزند نیز بیشتر می باشد.

همفکری مشترک به عنوان تبیین کننده بعدی با ضریب مسیر ۰/۳۸ حاکی است که هر چه همفکری مشترک در خانواده بیشتر باشد، نمره انضباط فرزند بیشتر است. در اینجا معادل رگرسیون استاندارد شده متغیرهای مذکور ارائه می شود.

$$\begin{aligned} \text{نمره انضباط} = & \\ & (\text{همگامی مشترک}) \ 0/41 + (\text{همدلی مشترک}) \ 0/41 + (\text{طلاق}) \ 0/70 \dots \\ & (\text{همفکری مشترک}) \ 0/38 + (\text{همبختی مشترک}) \ 0/39 \end{aligned}$$

اکنون با احتیاط می توان اظهار داشت: برای افزایش نمره انضباط لازم است از طریق افزایش همدلی مشترک، همگامی مشترک، همبختی مشترک، همفکری مشترک، طلاق را کاهش دهیم. زیرا طبق شواهد فوق، طلاق مهم ترین عامل در کاهش نمره انضباط فرزند محسوب می شود.

نتیجه گیری:

ضرایب همبستگی نشان می دهد که بین متغیرهای مستقل همفکری مشترک، همدلی مشترک، همگامی مشترک و همبختی مشترک با شاخص نظم در خانواده، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. (در گروه آزمایش و در گروه گواه) یعنی هر چه همگامی مشترک، همفکری مشترک، همدلی مشترک و همبختی مشترک در خانواده، بیشتر باشد نظم در خانواده با ثبات تر می باشد. لذا فرضیات فوق که:

بین همگامی مشترک و نظم در خانواده رابطه مثبت وجود دارد.

بین همدلی مشترک و نظم در خانواده رابطه مثبت وجود دارد.

بین همفکری مشترک و نظم در خانواده رابطه مثبت وجود دارد.

بین همبختی مشترک و نظم در خانواده رابطه مثبت وجود دارد، مورد تأیید قرار گرفت.

همچنین ضرایب همبستگی نشان می‌دهد که بین متغیرهای مستقل همفکری، همبختی، همگامی و همدلی مشترک و شاخص نظم در خانواده با متغیر نمره انضباط رابطه مثبت، قوی و معنادار وجود دارد. (چه در گروه گواه و چه در گروه آزمایش) یعنی هر چه همفکری مشترک، همدلی مشترک، همبختی مشترک، همگامی مشترک در خانواده بیشتر باشد (نظم در خانواده با ثبات تر باشد) نمره انضباط فرزند بیشتر است.

همچنین تحلیل آماری چندگانه نشان می‌دهد که بین متغیرهای مستقل همفکری، همبختی، همدلی و همگامی مشترک و شاخص نظم در خانواده با متغیر مدت محکومیت در میان پاسخگویان در گروه آزمایش رابطه منفی و معنادار وجود دارد. یعنی هر چه همفکری مشترک، همدلی مشترک و همبختی مشترک و همگامی مشترک در خانواده بیشتر باشد (نظم در خانواده با ثبات تر باشد)، مدت محکومیت کمتر (شدت بزهکاری) می‌باشد.

بنابراین این فرضیه کل اختلال در نظم خانواده منجر به بزهکاری اعضاء از جمله فرزندان می‌گردد، تأیید می‌شود. همچنین بین متغیرهای مستقل همفکری مشترک، همبختی مشترک، همگامی مشترک، همدلی مشترک (شاخص نظم در خانواده) با متغیر طلاق رابطه وجود دارد. هر چه نظم در خانواده با ثبات تر باشد امکان وقوع طلاق والدین کمتر می‌باشد. بنابراین، این گمانه که ادعا می‌کند، عدم همفکری مشترک، عدم همبختی مشترک، عدم همگامی مشترک، عدم همدلی مشترک در میان اعضاء خانواده موجب اختلال در نظم خانواده می‌شود و این اختلال می‌تواند موجب طلاق گردد، تأیید می‌شود.

ضمناً یافته‌های این تحقیق نشان داد که بین گرایش دینی والدین و نظم در خانواده در میان کل پاسخگویان رابطه مثبت و قوی و معنادار وجود دارد. همچنین ملاحظه شد که گرایش دینی والدین تأثیر منفی روی وقوع طلاق دارد. بنابراین این فرضیه که هر چه اعتقادات مذهبی والدین قوی تر و بیشتر باشد امکان وقوع طلاق کمتر می‌باشد، تأیید گردید.

همچنین بین گرایش دینی پاسخگو و بزهکاری رابطه منفی وجود دارد. یعنی هر چه گرایش دینی پاسخگو قوی تر باشد امکان وقوع بزهکاری کمتر می‌باشد.

در مجموع، در این پژوهش یافته‌ها کم و بیش حمایت تجربی برای نظریه خرد فراهم نمودند. در میان یافته‌ها، شواهدی دیده نشد که کمک به ابطال نظریه مزبور نمایند.

مآخذ

الف: مآخذ فارسی

- اشرف. احمد، کثر رفتاری و مسایل انسانی و آسیب‌شناسی اجتماعی، مجموعه گفتارهای درسی، تهران: انتشارات آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی. انتشارات نوید شیراز. ۱۳۵۵
- تامین. ملوین، "جامعه‌شناسی قشریندی و نابرابری‌های اجتماعی - نظری و کاربردی"، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، چاپ اول، تهران: توتیا. ۱۳۷۳،
- ترنر. جانانان، اچ ۱۹۷۷، "ساخت نظریه جامعه‌شناختی" ترجمه عبدالعلی لهسایی زاده - شیراز: ۱۳۷۳،
- چلبی. مسعود، "تحلیل شبکه در جامعه‌شناسی"، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره دوم شماره ۵ و ۶ (پاییز و زمستان)، ۴۲ - ۹، دانشگاه علامه طباطبائی. ۱۳۷۳،
- چلبی، مسعود، "تعهد کار"، نامه پژوهش، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، فرهنگ و اخلاق کار، سال دوم، شماره ۵، ۱۰۴ - ۷۵ تابستان. ۱۳۷۶،
- چلبی. مسعود، "جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی"، چاپ اول، تهران: انتشارات نشرنی. ۱۳۷۵،
- چلبی. مسعود، "وفاق اجتماعی"، نامه علوم اجتماعی، دوره جدید جلد دوم شماره سوم، ۲۸-۱۵، تهران. دانشگاه تهران. ۱۳۷۲،
- دواس. دی. ای، ۱۹۹۱، "پیمایش در تحقیقات اجتماعی"، ترجمه هوشنگ نایی، چاپ اول، تهران: نشرنی. ۱۳۷۶،
- دورکیم. امیل، "درباره تقسیم‌کار اجتماعی" ترجمه باقر پرهام - چاپ اول نقش جهان (کتابسرای بابل). ۱۳۶۹،
- دورکیم. امیل، "قواعد روش جامعه‌شناسی"، ترجمه علی‌محمد کاردان، چاپ پنجم، تهران.

- مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. ۱۳۷۳،
- رابرتسون. یان، "درآمدی بر جامعه" ترجمه حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی. ۱۳۷۲،
- روزن باوم. هایدی، ۱۹۷۳، "خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه"، ترجمه محمد صادق مهدوی، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۷،
- روشه. گئی، "جامعه شناس تانکوت پارسونز"، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، چاپ اول ۱۳۷۶، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان. ۱۹۲۷،
- ساروخانی. باقر، "طلاق پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن"، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. ۱۳۷۶،
- ساروخانی. باقر، "مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده"، تهران: انتشارات سروش. ۱۳۷۵،
- - ستوده. هدایت الله، "مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی" چاپ سوم، تهران: مؤسسه انتشارات آوای نور. ۱۳۷۴،
- سرایی. حسن، "مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق" تهران: انتشارات سمت. ۱۳۷۲،
- صدیق. رحمت الله، "تحلیل نظریه‌های مربوط به کج رویهای اجتماعی" نشریه علوم تربیتی، فصلنامه علمی و پژوهشی دانشکده علوم تربیتی، سال یازدهم شماره ۱ و ۲: ۶۶-۵۵، تهران: دانشگاه تهران. ۱۳۷۶،
- کوزر، لوئیس، ۱۹۷۱، "زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی"، ترجمه: محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی. ۱۳۶۹،
- گسن. ریموند، ۱۹۸۸، "مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی" ترجمه مهدی کی‌نیا، چاپ اول پاییز تهران: انتشارات مترجم. ۱۳۷۰،
- گیدنز. آنتونی، ۱۹۷۸، "دورکیم"، ترجمه یوسف اباذری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی. ۱۳۶۳،

ب: مآخذ لاتین

○ Amato Paul.R.& Booth Alan.1996,"A Prospective Study of Divorce and Parent - Child Relationships". Journal of Marriage and the Family, Vol.58,May: 356-365.

○ Aston,Nan Marie. & Mclanahan sara S.1991," Family Structure ,

Parental Practices and High school Completion" . American Sociological Review (A.S.R) Vol.56,Number 3, June:309-320.

O Atkinson G.B.J. & MC Carthy B. & Phillips K.M. 1987, *Studying Society. An Introduction to Social Science.*Oxford University Press.

O Barber Brian K. 1992, "Family, Personality, and Adolescent Problem Behaviors". *Journal of Marriage and the Family*,Vol. 54,February:69-79.

O Barber Brian K. & Buehler Cheryl.1996, "Family Cohesion and Enmeshment: Different Constructs, Different Constructs, Different Effects". *Journal of Marriage and the Family*,Vol. 58, May:433-441.

O Blood Robert.1969,*Marriage.* New York: The free Press.

O Booth Alan. & Johnson David.& Edwards John N.1983,"Measuring Marital Instability". *Journal of Marriage and the Family* Vol. 45,No.2 ,May : 387-392.

O Brinkerhoff David B.& White Lynn K. 1978,"Marital Satisfaction in an Economically Marginal Population". *Journal of Marriage and the Family*,Vol.40,No.2, May: 259-267.

O Conger Rand D.& Elder.JR Glen H.& Lorenz Frederick O,& Conger Katherine J.& Simond Ronald L.& Whitbeck les B.& Huck Shirley. & Melby Janet N.1990,"Linking Economic Hardship to Marital Quality and Instability". *Journal of Marriage and the Family*, Vol. 52, August: 643-656.

O Crano William D.& Aronoff Joel.1978,"A Cross-Cultural study of Expressive and Instrumental Role Complementarity in the Family ". *American Sociological Review*, Vol. 43,August:463-471.

O Crothers charles.1987,*Merton Robert K.* London & Newyork: Ellis Horwood Limited,Tavistock publications.

O Demo David H. 1992, "parent - Child Relations: Assessing Recent changes". *Journal of Marriage and the Family*,Vol. 54,February: 104-117.

O Fergusson D.M.& Horwood L.J.& Shannon F.T.1984, "A Proportional

Hazards Model of Family Breakdown". *Journal Marriage and the Family*, Vol. 46, No.3, August:539-549.

O Filsinger Erike.& Wilson Margaret R.1984,"Religiosity , Socioeconomic Rewards, and Family Development: Predictors of Marital Adjustment".*Journal of Marriage and the Family*, Vol. 46,No.3, August : 663-669.

O Goode William J. 1989, *The Family*. 2/E, Deghi: Prentice, Hall of India.

O Greenstein theodore N.1990, "Marital Disruption and the Employment of Married Women".

Journal of Marriage and the Family, Vol.52,August: 657-676.

O Hamilton,Peter.1983 Talcott Parsons. London: Routledge.

O Hanson Barbara Gail.1997,"Family Problematics.A Crucible For Sociology". *International Journal of Sociology of the Family*, Vol. 27,No. 1, Spring:1 - 12.

O Hodson Randy.& Welsh Sandy .& Ricbte Sebine. & Jamison Cheryl Sorenson.& Creighton sean.1993, "Is Working Solodarity undermined By Autonomy And Participation? Patterns From the Ethnographic Literatuer". *Amreican Sociological Review*, Vol.58, June: 398-416.

O Horton, Paul B.& Hunt chester L. 1984, *Sociology* . Singapore: Mc Graw-Hill.

O Lec Mo-Yee,1997,"Post - Divorce Interparental Conflict, Chigdren´s Contact With Both Parents, Children´s Emotional Processes. and Children´s Behavioral Adjustment". *Journal of Divorce & Remarriage*, Vol.37,(3/4) By the Haworth Press, Inc, All Rights Reserved:61-81.

O Liker Jeffrey k. & Elder, Jr Glen H. 1983, "Economic Hardship and Marital Relations in the 1930s". *Amercan Sociological Reviw (A.S.R)*. Vol.48,June: 343-359.

O Merton Robert K. 1957,*Social theory and Social Structure (Social structure and Anomie)*. USA: The Free Press.

O Merton Robert K. & Nisbet Robert. 1971, *Contemporary Social Problems (Family Disorganization)*. 3/E. New York, San Francisco. University of California, Riverside Har Court Brace Jovanovich.

O Moskoff William. 1983, "Divorce in the ussr". *Journal of Marriage and the Family*, Vol.45, No.2, May: 419 - 425.

O Noller Patricia. & Fitzpatrick Mary Anne. 1990, "Marital Communication in the Eighties". *Journal of Marriage and the Family*, Vol 52, Number. 4 November: 832 - 843.

O Oppenheimer Valerie Kincade. 1977, "The sociology of Women's Economic Role in the Family". *American Sociological Review*, Vol.42, Number.3, June: 387 - 406.

O Osmond, Marie Withers. & Martin. Patricia Yancey . 1978, "A Contingency Model of Marital Organization in Low Income Families". *Journal of Marriage and Family*, Vol.40, No.2, May: 315-328.

O Parsons, Talcott & Bales Robert F. 1955, *Family, Socialization and Interaction Process*. New York: Free Press.

O Pothan S. Osamma 1986, *Divorce, (Its Causes and Consequences in Hindu society)*. New Delhi: Shakti Books.

O Rizer, George. 1988, *Sociological theory*. 2/nd. New York: Alfred A. Knopf.

O Schaninger Charles M. & Buss W. Christian . 1986, "A Longitudinal Comparison of Consumption and Finance Handling Between Happily Married and Divorced Couples". *Journal of Marriage and the Family*, Vol. 48, February: 129 - 136.

O Schlesinger Benjamin. 1996, "Lone - Parent Families in Cross - Cultural Perspectives Ethnic and Immigration Issues". *International Journal of Sociology of the Family*, Vol.26, Spring, No.1.

- O Stewart Elbert W.& Glynn James A.1988, Introduction to Sociology. Singapore:Mc Graw - Hill.
- O Tavormina Joseph B. et al. 1978, "Power Relationships in families:A Social exchange Perspective". Family Process, vol.17, December: 423 - 435.
- O Vander Zanden James W.1996, Sociology, The Core, Fourth Edition (1993,1990,1986). Singapore:Me Graw - Hill.
- 37- Vold,George B.& Bernard thomas J.1986,Theoretical criminology, 3/E, New york: Oxford.
- O White lynn K. 1990, "Determinants of Divorce:A Review of Research in the Eighties". Journal of Marriage and the Family, Vol. 52,November:904 - 912.
- O Williams J. E Hall,1982,Criminology and Criminal Justics. London:Butterworths.
- O Wilson Margaret R.& Filsinger Erike, 1986,"Religiosity and Marital Adjustment: Multidimensional Interrelationships". Journal of Marriage and the Family, Vol.48,No.1,February: 147 - 151.
- O Wu Zheng 1995, "The Stability of Cohabitation Relationships: The Role of Children".Journal of Marriage and The Family, Vol, 57,Number.I,February:231-236.